

پاسخ: در افغانستان با وجود تمامی های و هوی "حقوق زنان" و "آزادی زنان افغانستان"، اما وضعیت حقوقی زنان همواره فاجعه انگیز است.

در زندگی زنان افغانستان هیچ تغییر محسوسی انجام نپذیرفته است. حتی در بخش های مشخصی از کشور، وضعیت زنان وخیم تر از زمان طالبان شده است. آمار زن ربانی ها، ازدواج های اجباری، تجاوزات جنسی، معامله دختران جوان، حمله با اسید به زنان، فحشا و خودسوزی دختران جوان و زنان، حتی در مقایسه با زمان رژیم طالبان رکورد خود را شکسته است.

به لحاظ ازدواج های اجباری و خشونت خانگی، خود سوزی زنان در فاصله سنی ۱۸ تا ۳۵ سال در افغانستان کاملاً عادی شده است. صدها چنین مواردی وجود دارند که از همه مهم تر در هرات، فرج و دیگر شهرستان ها به وقوع می پیوندند. هر کجا که زنان از حقوق خود محرومند و دستگاه قضائی برای پشتیبانی از زنان وجود ندارد، زنان راه دیگری برای برون رفت از این بدبختی، جز خودسوزی نمی بینند.

به خاطر فقر بی حدی که بیش از ۸۰ درصد مردم افغانستان را دربر گرفته است، زندگی بی شماری از بیوه های جنگی و زنان تهیدست فاجعه بار بوده و فحشا و گدائی در معابر عمومی، در بعدی وسیع، به طور بی سابقه ای افزایش یافته است.

گزارش های بسیاری وجود دارند که خانواده ها مجبور می شوند فرزندان خویش را به فروش برسانند. زیرا که از عهده تغذیه آنها بر نمی آیند. تنها در شهرستان هرات در سال ۲۰۰۸ رسماً ۱۵۰ مورد فروش خردسالان شناخته شده است. البته آمار واقعی بسیار بالاتر می باشد.

بسیاری از این گزارش ها توسط خبرگزاری ها پخش نمی شوند. زیرا که رسانه ها در سایه اسلحه و تهدیدات کسانی که با تجارت کودکان مشغولند، تحت فشار قرار دارند.

در سال های گذشته در رابطه با حقوق زنان برخی از تغییرات برای زیبا سازی انجام پذیرفته است. برای مثال، انتخاب یک زن در صدر وزارت زنان و چندین زن به عنوان نماینده پارلمان. این نمایش به عنوان پیروزی معرفی گردید. با این وجود، وزارت مربوطه هیچ کاری برای زنان نکرد و تنها به عنوان یک ویترین ایجاد شده است. غالب زنان در پارلمان، طرفدار سردمداران جنگ هستند و از آنجا که خود بخشی از مشکل هستند، نمی توانند

زنان افغانستان را نمایندگی نمایند. <صفحه ۱۹



مصاحبه با مریم راوی از سازمان اتحاد انقلابی زنان افغانستان

مردم افغانستان در سه جبهه می جنگند

برگردان ناهید جعفرپور - Peace News - Ian Sinclair

سازمان مستقل اتحاد انقلابی زنان افغانستان (راوا) در سال ۱۹۷۷ تاسیس گردید. این سازمان برای حقوق بشر و عدالت اجتماعی در افغانستان مبارزه می کند. راوا هم در زمان حمله روسیه به افغانستان و اشغال افغانستان در سال های ۸۹ - ۱۹۷۹ و هم در دوره دولت های بعد از آن یعنی مجاهدین و طالبان، در جبهه مخالف حکومت قرار داشت. آنها مدرسه های مخفی برای دختران افغانی برپا کرده بودند و روزنامه ای ماهانه منتشر می کردند. راوا همچنین پروژه های بشردوستانه ای را در دست اجرا داشت.

مریم راوی عضو کمیته روابط خارجی راوا است. وی در مصاحبه با یان سینکلر، به پرسش هایی در باره شرایط کنونی و اشغال افغانستان پاسخ می دهد.

مس آهن و دیگر مواد معدنی و سنگهای قیمتی هم وجود دارد و قدرت های بزرگ طبیعتاً علاقه مند هستند که این مواد را استخراج کنند، درست همانطور که آنان در کشورهای فقیر آفریقائی این کار را می کنند.

در سال های گذشته تلاش هایی شده است تا ذخایر طبیعی ما را شناسایی کنند. اداره زمین شناسی ایالات متحده آمریکا تخمین زده است که در نواحی شمال افغانستان، تقریباً ۷۰۰ میلیارد کوبیک متر گاز و ۳۰۰ میلیون تن نفت وجود دارد. همچنین دومین ذخایر مس بزرگ جهان با ظرفیتی شامل ۱۱ میلیون تن، در کشور ما نهفته است. در کنار این خواست که ذخایر نفت و گاز جمهوری های آسیای مرکزی را از طریق افغانستان هدایت نمایند، همچنین آمریکائی ها علاقه مند به استخراج ذخایر درون افغانستان هم می باشند.

"جنگ علیه ترور" و "آزادی زنان افغانستان" تنها دروغ هایی بودند تا بدان وسیله منافع ذکر شده در بالا و بسیاری از دیگر منافع پنهانی آمریکا در افغانستان را لاپوشانی کنند.

رویای آزادی مردم ما، درست در آغاز حمله به افغانستان از بین رفت و این زمانی بود که مردم دیدند که جنایتکاران جنگی و قاتلان و تجاوزگران اتحاد شمال که افغانستان را نابود می کنند، چگونه از سوی آمریکا و متحدینش بعد از رفتن طالبان پشتیبانی می شوند و مجدداً بر مسند قدرت آورده می شوند.

زمانی که جنایتکارانی چون برهان الدین ربانی، عبدالرسول سیف، کریم خلیلی، محمد محقق، یوسف قانونی، مولا راکتی، عطا محمد، رشید دوستم، اسماعیل خان، حاجی الماس، حضرت علی و بسیاری دیگر از سوی آمریکا به عنوان قهرمانان آزادی، به صورت دکوراسیون انتخاب شدند و بر مسند قدرت نشاندند، همه می دانستند که افغانستان مجدداً مرکز یکی دیگر از نمایش های آمریکا و متحدینش شده است. کسانی که با لغات زیبایی چون "دمکراسی" و "حقوق بشر" با ملت ما شوخی دردناکی نمودند.

پرسش: می توانید توضیح دهید که زندگی زنان در افغانستان امروز چگونه پیش می رود و آیا وضعیت آنها اکنون بهتر از زمان حکومت طالبان است یا نه؟

پرسش: زمانی که آمریکا در سال ۲۰۰۱ به افغانستان حمله کرد، بوش ادعا نمود که وی برای "پیشرفت و پلورالیسم و تفاهم و آزادی" مبارزه می کند. به نظر راوا، دلیل حمله آمریکا به افغانستان و اشغال این کشور چه بود؟

پاسخ: آمریکائی ها به خاطر منافع استراتژیک جغرافیای سیاسی و اقتصادی و منطقه ای به افغانستان حمله کردند تا بدین وسیله افغانستان را به یک پایگاه نظامی قوی خود در منطقه تبدیل سازند. از آنجا که افغانستان قلب آسیا است، به همین خاطر این پایگاه می بایست در خدمت کنترل کشورهای منطقه چون پاکستان، چین، ایران و از همه مهمتر، جمهوری های آسیای مرکزی عمل نماید. افزون بر این، آنها افغانستان را بعنوان قدرتی بزرگ همچنان در اشغال خود قرار دادند تا بدینوسیله با قدرت های به پا خاسته ای چون روسیه و چین که برای آمریکا همواره به عنوان رقیبی اقتصادی و نظامی به حساب می آیند، مبارزه نمایند.

بسیاری امروز ادعا می کنند که حمله نظامی سال ۲۰۰۱ قبل از ۱۱ سپتامبر طرح ریزی شده بود. اما ۱۱ سپتامبر به جنگ افروزان کاخ سفید و پنتاگون یک موقعیت استثنائی داد تا بدان وسیله برنامه خود را در منطقه به پیش برند. اگر به سخنان تونی بلر توجه کنیم، وی می گوید: "حقیقت این است که ما هیچگاه اجازه حمله به افغانستان را نمی توانستیم از افکار عمومی بگیریم، اگر که واقعه ۱۱ سپتامبر اتفاق نیافتاده بود."

دلیل دیگر حمله به افغانستان، دست یابی به تجارت میلیاردی مواد مخدر بود. همانطور که ما در سال های گذشته شاهد بودیم، آمریکا و متحدینش افغانستان را به مرکز تریاک جهان تبدیل نمودند. تولید تریاک در این مدت بیش از ۴۰۰ درصد افزایش یافت و ۹۳ درصد تریاکی که به طور غیرقانونی در جهان توزیع می شود، از افغانستان بیرون می رود.

می گویند که تجارت مواد مخدر را اگر به پول رایج حساب کنیم، بعد از نفت و تسلیحات در مقام سوم جهان قرار می گیرد. پشت این تجارت نهادهای بزرگ مالی قرار دارند. کنترل راه های مواد مخدر برای دولت آمریکا خیلی مهم بود و اکنون آنها به این هدف خود دست یافته اند.

افزون بر این، در افغانستان ذخایر بزرگ گاز و

مفهمه ۱۸

زنان افغانستان در هفت سال گذشته تحت اشغال آمریکائی ها زندگی سختی را گذرانده‌اند. از بدبختی آنها سوءاستفاده گردید تا اشغال در افغانستان توجیح گردد. اما هیچ قدمی برای مداوای زخم‌های آنان برداشته نشد. بلکه بیشتر مخالفین حقوق زنان تقویت و پشتیبانی گشتند و به مقام‌های کلیدی دست یافتند. زمانی که لشکر جنگ افروز طالبان، تاجار مواد مخدر، نیروهای اشغالگر و عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی، خشن و حقه‌باز، چون سایه بر روی تمامی کشور افغانستان گسترده شده‌اند، چگونه زنان می‌توانند به حقوق بنیانی خویش دست یابند؟

پرسش: باراک اوباما رئیس جمهور جدید آمریکا خود را موظف دید که در افغانستان تغییراتی بوجود آورد. به‌زبان دیگر، نیروی ارتش را به ۳۰ هزار نفر افزایش داد. آیا این عمل وی از سوی سازمان راوا پشتیبانی می‌شود؟

پاسخ: اگر به طرح اوباما برای افغانستان توجه نمایم، می‌توانیم به‌روشنی ببینیم که برای کشور ما هیچ فرقی میان اوباما و بوش وجود ندارد. هر دو آنها استراتژی غلطی را دنبال می‌کنند. استراتژی‌ای که تا کنون افغانستان و منطقه را به مسیر جنگ‌های سخت و فاجعه‌های گوناگون کشانده است.

حتی اگر آمریکا صدها هزار سرباز در افغانستان مستقر سازد، باز هم این معنی را نخواهد داد که آنها برای آوردن "آزادی" و "صلح" و "دمکراسی" برای مردم افغانستان اینجا آمده‌اند. آنها تنها از منافع آمریکا در منطقه حرکت می‌کنند و در این مسیر، سردمداران جنگ و باندهای موادمخدر و دیگر ماموران آمریکائی که در افغانستان برمسند قدرت قرار دارند، به آنها کمک می‌نمایند. اما برای مردم رنج دیده ما، آمدن آنها پایان بسیار بدی خواهد داشت.

آزادی، دمکراسی و عدالت اجتماعی چیزهایی نیستند که بتوان توسط یک دولت بیگانه با فشار اسلحه به افغانستان آورد. این ارزش‌ها می‌توانند تنها از سوی ملت ما و نیروهای خواهان دمکراسی، در مبارزه‌ای سخت و مصممانه و طولانی بدست آیند. کسانی که ادعا می‌کنند که می‌شود این ارزش‌ها را برای مردم افغانستان با استفاده از خشونت آورد، کشور ما را تنها در مسیر بردگی سوق می‌دهند.

برای مردم افغانستان تعداد قربانیان غیرنظامی و اعتراضات در این باره، از اهمیت بسیار برخوردار است. اگر به ۷ سال گذشته نگاهی بیاندازیم، در اثر بمباران‌های آمریکا و ناتو در افغانستان هزاران انسان بی‌گناه کشته و مجروح شده‌اند. در همین چند هفته گذشته، تحت رهبری اوباما، در حدود ۱۰۰۰ غیرنظامی کشته شده‌اند.

مردم زیادی در افغانستان خواهان عقب‌نشینی ارتش اشغالگر از افغانستان می‌باشند. آنها به این ارتش به عنوان مسئله‌ای بی‌فایده نگاه می‌کنند. ارتشی که هیچ کار مفیدی برای افغانستان انجام نمی‌دهد. افزایش نیروی نظامی تنها به اعتراضات بیشتر برعلیه حضور آمریکا و ناتو در افغانستان خواهد انجامید و

به‌عنوان عکس‌العمل در مقابل ارتش اشغالگر و تجاوزهایش، بسیاری به آغوش گروه‌های تروریستی و طالبان پناه خواهند برد.

همچنین افزایش نیروهای نظامی توجیهی خواهد بود برای شورشیان، تا عملیات و حملات خود را شدت بخشند. که این خود باز هم جنگ در افغانستان را شدت خواهد داد.

به نظر ما ۳۰ هزار سرباز بیشتر، تنها به استراتژی آمریکا در منطقه یاری خواهد رساند و افغانستان را به پایگاه آنان تبدیل خواهد نمود. آمریکا و متحدینش در افغانستان بازی‌ای دوگانه را پیش گرفته‌اند: از سوئی ارتش خود را فورت می‌بخشند و از سوئی دیگر، بنیادگرایان تروریست اتحاد شمال را پشتیبانی می‌کنند و تماس میان طالبان و حکمت‌یار را برقرار می‌نمایند تا قدرت را با این نیروهای خشن و جنایتکار تقسیم نمایند.

این خود رازی فاش شده است که آمریکا علاقه‌ای به مبارزه با تروریست‌ها ندارد. در واقع، هیچ کسی نمی‌تواند تصور کند که یک قدرت بزرگ واقعا ناتوان باشد که یک نیروی کوچک قرون وسطائی چون طالبان را مغلوب سازد. به‌واقع دولت آمریکا احتیاج به توجیهی برای ماندن مجدد خود در افغانستان دارد و حضور طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی کمک می‌کند تا "تام و جری" (موش و گربه معروف کارتون) بهانه‌ای داشته باشند این بازی را سال‌های دیگری هم در این منطقه ادامه دهند.

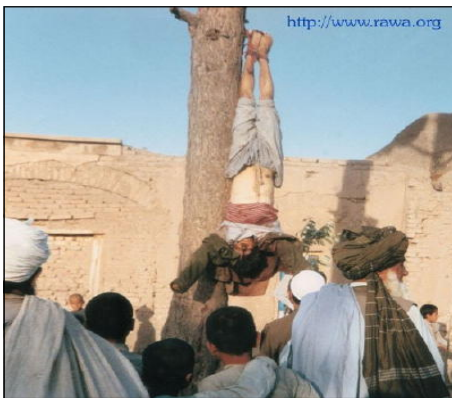
حتی این شایعه هم وجود دارد که نیروهای نظامی خارجی مهمات و اسلحه در اختیار طالبان می‌گذارند. در ماه مارس گذشته، رسانه‌های افغانی و مقامات حومه شهرستان زابل گزارش دادند که هلیکوپتر ناتو ۳ کانتینر بزرگ مهمات و ابزار کمکی برای یک کماندوی طالبان پرتاب نموده‌اند. یکی دیگر از کماندوهای طالبان به نام مولا عبدالسالم که مسئول کشتار سال ۱۹۹۸ می‌باشد، به‌عنوان فرماندار منطقه موسی‌کوالا در شهرستان هلمند که بزرگترین منطقه کاشت تریاک جهان است، برمسند قدرت قرار داده شده است.

چند ماه پیش غیرت‌باهر یکی از تروریست‌های معروف از حزب حکمت‌یار، از زندان آمریکائی‌ها آزاد گردید. در گزارشات اخیر رسانه‌ها فاش شده است که وی اطلاعات سری‌ای داشته است که راه را برای تقسیم قدرت با حکمت‌یار که در لیست تروریست‌های آمریکا قرار دارد، صاف می‌کند. طبق اطلاعات خبرگزاری الجزایر، گویا که از سوی عربستان سعودی به حکمت‌یار اعلام استرداد پناهندگی شده است. بعد از این وی می‌تواند با استفاده از قانون امنیت در مقابل تعقیب قضائی، به افغانستان بازگردد. اینها تنها چندین مثال بودند که توسط آن اخلاق دوگانه آمریکا در رابطه با باندهای خطرناک تروریستی نشان داده می‌شود. همیشه زمانی که تروریست‌ها اعلام آمادگی می‌نمایند که همساز با سیاست آمریکا عمل نمایند، به‌عنوان دوست شناخته می‌شوند. حال فرق نمی‌کند که آنها تا چه اندازه جنایت برعلیه مردم افغانستان انجام داده باشند و یا انجام بدهند.

پرسش: سازمان راوا چه راه حلی برای پایان دادن به اختلافات افغانستان پیشنهاد می‌کند؟

پاسخ: راوا اعتقاد راسخ دارد که عقب‌نشینی نیروهای نظامی از افغانستان، اولین قدم برای صلح در این کشور خواهد بود زیرا که امروز با حضور هزاران سرباز خارجی از بسیاری از کشورها در افغانستان، اکثریت مردم ما از ناامنی، قتل، آدم‌ربائی، بیکاری، تجاوزات جنسی، پاشیدن اسید به صورت دخترمدرسه‌ها، گرسنگی، بی‌قانونی، عدم وجود آزادی بیان و بسیاری دیگر از بدبختی‌های دیگر رنج می‌برند. صلح، امنیت، دمکراسی و استقلال تنها می‌توانند توسط خود ما قابل دسترسی باشند. ما مسئولیت داریم که خودمان را به‌عنوان آلترناتیو اشغالگران متحد سازیم و به‌پای خیزیم و مقاومت کنیم و مردم را سازماندهی نمایم.

در حال حاضر مردم ما از سوی سه دشمن محاصره شده‌اند. در یک سو طالبان قرار دارند و در سوی دیگر حملات هوایی آمریکائی‌ها و در سوی سوم، جنگ افروزان اتحاد شمال در بسیاری از شهرستانها مستقرند. با عقب‌نشینی ارتش اشغالگر، مردم ما حداقل از دست یک دشمن رها می‌شوند.



انسان‌های عاشق عدالت در آمریکا و متحدین دموکراتشان باید همواره به دولت‌هایشان فشار بیاورند که سیاست جلب بنیادگرایان را تغییر دهند و برای خلع‌سلاح گروه‌های مسلحی که از آمریکا دستمزد می‌گیرند، حرکت نمایند. ما براین عقیده‌ایم که انسان‌های عاشق صلح در همه جای جهان می‌بایست انسان‌ها و نیروهای دموکرات افغانستان را که تحت فشار آمریکا و عوامل بنیادگرایان می‌باشند، مورد پشتیبانی قرار دهند. تنها یک جنبش قوی دموکراتیک می‌تواند افغانستان را به سوی دمکراسی و استقلال بکشاند.

مردم افغانستان از وضعیت کنونی خود رنج می‌کشند و درحال رسیدن به این تصمیم هستند که درمقابل این اوضاع به‌پای خیزند. با وجود تمامی تهدیدات و ترورها، همواره در چند شهرستان یک سری اعتراضات و خیزش‌ها وجود داشته و دارد. بی‌شک این موج در آینده شدت خواهد گرفت.

با ایجاد یک جنبش سوم که شعارش نه اشغال و نه طالبان بلکه آزادی و دمکراسی باشد، مردم افغانستان بخواهند خاست تا با نیروی خود، حقوق خویش را به‌دست آورند. البته این خود روندی طولانی و دردآور خواهد بود اما تنها راه حلی است که می‌تواند افغانستان را به سوی صلح و رفاه هدایت نماید. □